

بررسی و نقد مقاله

«[امام] علی بن ابی طالب [ع]»، دائرةالمعارف اسلام (EF)

سعادت غضنفری*

چکیده

دائرةالمعارف/اسلام را اصلی‌ترین منبع اسلام‌شناسی در مغرب‌زمین می‌شناسند؛ اما مقالات این مجموعه و تصویر ارائه‌شده از اسلام در آن، نیازمند نقد و بررسی است. بسیاری از این تصاویر، حاصل کج‌فهمی مظاهر مادی و معنوی اسلام و برخی نیز متعمدانه و از روی سوگیری است. در مقاله [امام] علی بن ابی طالب [ع] از رابرت گلیو در چاپ سوم این دایرةالمعارف، به‌رغم بهره‌گیری از منابع شیعی و بررسی‌های همدلانه، برخی از نکات مهم مسکوت گذاشته شده و گاهی نیز در برداشت‌ها و تحلیل‌ها به خطا رفته است.

کلیدواژه‌ها: امام علی بن ابی طالب (ع)، رابرت گلیو، دایرةالمعارف اسلام.

۱. مقدمه

شیعه‌پژوهی غربیان با دیرینه‌ای درازدامن، رویکردهای متفاوتی به خود دیده است و پژوهشگران متعددی در حوزه‌های مختلف آن فعالیت کرده‌اند. یکی از پژوهشگران برجسته حوزه مطالعات شیعی، رابرت گلیو (Robert Gleave) است. درباره این شیعه‌پژوه می‌توان گفت که علاقه و تخصص اصلی او، آرا و عقاید اسلامی در دوره میانه به‌ویژه اصول فقه شیعه است. گلیو دوره کارشناسی را در دپارتمان فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه نیویورک با پایان‌نامه‌ای با عنوان *افکار شریعتی و تأثیرات آن* و دوره کارشناسی ارشد را در

* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی و مدرس مرکز علمی و کاربردی گچساران S.gh.tarikh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۸

دپارتمان خاورمیانه دانشگاه منچستر با پایان نامه‌ای با موضوع منابع بیوگرافی برای شرح تضاد اخباریون و اصولیون: بررسی محمدامین استرآبادی و دکتری را در همانجا با پژوهشی پیرامون فقه اخباری شیعه در آثار یوسف بحرانی گذرانند. او علایق پژوهشی خود را به طور کلی حقوق اسلامی و تاریخ تشیع عنوان کرده است («گفت‌وگو با رابرت گلیو»، ۱۳۸۸: ۲۵). به هر حال، آنچه اهمیت دارد، این است که پژوهش‌های گلیو با محوریت زاویه دید متفاوت به موضوع، برخلاف آنچه سنت شرق شناسی است، به کشف مطالبی نوین چون نظریه اخباریان در فهم زبان اخبار و قرآن منتهی شده است. او در این مسیر، برای تأیید و پشتیبانی از دیدگاه خویش، به منابع اصیل، دسته اول و معتبر رجوع می‌کند و با نگاهی دقیق، مستند و مسلط به موضوع، چون تحلیل اصطلاحات فقهی، در کنار بهره‌گیری از روش‌های علمی و روش‌شناسانه، منطقی متفاوت از موضوع ارائه می‌دهد. می‌توان او را شیعه‌پژوهی دانست که در علمی‌کردن مطالعات شیعی در غرب، از بندهای رویکرد تاریخی‌نگری و شرق‌شناسانه گسسته و در مسیر شناختی پدیدارگونه از موضوع گام برداشته است. در مجموع، او با بهره‌گیری از منابع شیعی، در راستای فراهم آوردن پژوهش‌های عالمانه و همدلانه قدم گذاشته است.

مطالعات و تحقیقات شیعی گلیو بسیار است. از جمله کتاب‌های برجسته او، اثری است با عنوان شکل اجتناب‌ناپذیر: دو نظریه شیعه درباره احتیاط فقهی. این کتاب با رویکرد نقش برجسته فقه شیعی و جایگاه آن در ایران پس از صفویه، در مقایسه با کتاب مدرسی طباطبائی در زمینه قانون شیعی (فقه شیعی) با عنوان مقدمه‌ای بر فقه شیعه، به لحاظ استنادات تاریخی و مطالب زندگی‌نامه‌ای، برجستگی ویژه‌ای دارد. درباره فقه اهل سنت، آثار فراوانی در دست است که این نوشتار می‌تواند در کنار دیگر آثار پیرامون فقه شیعی چون اثر «لوچنر» و «کمالی» نظرگاه ویژه‌ای به مطالعات این حوزه در غرب بدهد (Stewart, 2003: 441-444). در این کتاب، دو متن کهن اصول فقه شیعه تجزیه و تحلیل شده است. نویسندگان این آثار متعلق به دو مکتب فقه شیعه، یوسف بحرانی (د. ۱۷۷۲م/۱۸۶۱ق) یکی از چهره‌های کلیدی در مکتب «اخباری» و محمدباقر بهبهانی (د. ۱۷۹۱م/۱۲۰۶ق) از «اصولیون» بودند. در این اثر، با مقایسه دیدگاه‌های این دو نویسنده، و توصیف موارد عمده‌ای از اختلاف بین دو مکتب برای بررسی معرفت‌شناختی و برداشت‌های مختلف از منابع و تفسیر از شریعت، قانون خدا برای بشریت نشان داده شده است. گلیو همچنین ویراستاری کتاب *Religion and Society in Qajar Iran*

(مذهب و جامعه در ایران عصر قاجار) را به‌تنهایی و *Islamic law* (فقه اسلامی: آرا و رسوم) را با همکاری کرملی (E. Kermeli) برعهده داشته است. او با انتشار کتاب *Scripturalist Islam: The History and Doctrines of the Akhbari School of Shii Thought* (اسلام نص‌گرا؛ تاریخ و عقاید مکتب اخباری) (۲۰۰۷م)، جایگاه خویش را به‌عنوان متخصص عرصه مطالعات فقه شیعی با رویکرد اخباری تثبیت کرد. در این اثر، عامل نزاع اخباری و اصولی و مکتب اخباری نخستین، اندیشه‌های فقهی، فلسفی و کلامی محمدامین استرآبادی — مؤسس مکتب اخباری — و مهم‌تر از همه تفسیر قرآن برمبنای تفکر اخباری و جایگاه سنت و اخبار در فقه مکتب اخباری بررسی شده است (Gleave, 2007: 1, 31, 61, 102, 140). گلیو با برجسته‌کردن جریان اخباری، به ساختاری جدید از فهم قرآن و سنت رسیده است و با این رهاورد که اخباریون در موضوع زبان، تئوری جدیدی برای فهم اخبار و قرآن مجید داشته‌اند، برخلاف برخی از شرق‌شناسان که سطح فکری اخباریون را به‌دلیل بهره‌نگرفتن از اجتهاد پایین می‌پندارند، نظام فکری آنها را با اصولیون برابر می‌انگارد. درواقع، یکی از علل اصلی روی آوردن رابرت گلیو به شیعه‌پژوهی و آغاز جست‌وجو پیرامون اخباری‌گری به‌مثابه سرآغاز مطالعات اسلامی و شیعی او، رویکرد غیرعالمانه و یکسونگرانه شیعه‌پژوهان غربی بوده است («گفت‌وگو با رابرت گلیو»، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴). او با بهره‌گیری از منابع اصیل مربوط به موضوع، در راستای ارائه پژوهشی انتقادی و عالمانه گام برداشت (Gleave, 2007: 335-321) و در پژوهش‌های بعدی خود این رویکرد را ادامه داد. بی‌تردید به‌دلیل همین رویکرد او است که در سمینار شیعه‌شناسی دانشگاه دورهام (Durham) انگلستان بر اهمیت درک آیات قرآن و ضرورت توجه به جنبه‌های مختلف آن در استفاده از منابع اسلامی — از جمله روایات و احادیث در زندگی اجتماعی — تأکید شده است (<http://fa.london.icro.ir/index.aspx?siteid=253&pageid=11743&newsview=524017>). او با توجه به تخصص و علاقه خود به سنت حقوقی اسلام (شریعت و فقه)، درکنار شیعه‌پژوهی، طیف گسترده‌ای از موضوعات شرعی چون جایگاه زنان، حقوق بشر، حقوق کیفری و ازدواج و طلاق، بررسی متون بنیادین اسلام، از جمله قرآن، حدیث و دیگر منابع اولیه را تدریس می‌کند (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۸۷-۲۸۶). علاوه بر اینها، مقالاتی با محوریت تشیع — چون *The ijaza from Yusuf al-Bahrani (d.1186/1772) to Muhammad Mahdi" Bahr al-Ulum" (d.1212/1797)* («اجازة» روایت و نقل

حدیث) یوسف بحرانی (۱۱۸۶/۱۷۷۲) به (سید) محمد مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲/۱۷۹۷)، «Shiite exegesis and the interpretation of Qur'an 4:24 Marrying Fatimid women: legal theory and substantive law in shii jurisprudence»، «۲۴سوره نساء»، «(ازدواج زنان فاطمی: نظریه فقهی و حقوقی ماهوی در فقه شیعه)»، «Between Hadith and Figh: early Imami collections of Akhbar Recent Research into the History of — نخستین مجموعه‌های روایی شیعه امامی»، «Early Shi'ism (پژوهش‌های اخیر پیرامون تاریخ تشیع نخستین)، ... در مجلات معتبر نگاشته و در نوشتن فصل‌هایی از مجموعه‌مقالاتی با عناوین Muslim Jurisprudence Prayer and Prostration: Imami Shi'i Discussions of al-sujud ala («فقه مسلمانان»)، «al-turba al-husayniyya («نماز و سجده: بحث‌های شیعه امامی درباره سجده بر تربت‌الحسین (ع)»)، «Continuity and Originality in Shi'i Thought: The Relationship between the Akhbariyya and the Maktab-i Tafkik («تداوم و اصالت در اندیشه شیعه: رابطه بین اخباریه و مکتب تفکیک»)، «Intra-madhab Ikhtilaf in Late Classical Imami Shi'i Law («اختلاف درون‌مذهبی در متون کهن فقه شیعی»)، «(تشیع)»، ... همکاری داشته است.

۲. دایرةالمعارف اسلام

طرح نگاشتن دایرةالمعارفی برای گردآوری اطلاعات مربوط به اسلام و مسلمانان را در واقع فردی به‌نام اسمیت (William Robertson Smith) در کنگره بین‌المللی شرق‌شناسی لندن (۱۸۹۲م) پیشنهاد داد و بلافاصله تصویب شد و پس از آن با تلاش کسانی چون گلدزیهر (Ignaz Goldziher)، دخویه (M. J. de Goeje) و هوتسما (Martin Theodore Houtsma) و شماری از خاورشناسان کشورهای مختلف و تشکیل کمیسیون‌ها و کنگره‌های تخصصی، چاپ نخست *دائرةالمعارف/اسلام* [The Encyclopedia of Islam (EI)] در یکی از ناشران باسابقه، یعنی بریل (Brill) به سال ۱۹۰۸ در لیدن آغاز و جلد اول آن در ۱۹۱۳ منتشر شد. ویرایش دوم *دائرةالمعارف/اسلام* در بیست و یکمین کنگره خاورشناسان (پاریس، ژوئیه ۱۹۴۸) تصویب و جلد اول در ۱۹۶۰ تکمیل شد و تا سال ۱۹۹۸م، ۹ جلد آن به چاپ رسید. در این چاپ، علاوه بر افزودن مدخل‌های جدید، بعضی از مقالات به‌طور کامل یا جزئی بازنویسی شد. افزون بر این چاپ‌ها، تاکنون چند تکمله (Supplement) و

چند راهنما در قالب فهرستواره (Index) و اصطلاحنامه (Glossary) توصیفی برای آن تهیه و منتشر کرده‌اند. باید افزود که ضرورت‌های مختلفی باعث شد که خاورشناسان به اجرای این پروژه مهم ترغیب شوند؛ اما مهم‌ترین عامل، فراوانی و پراکندگی پژوهش‌های اسلامی در سراسر جهان و نیاز به گردآوری و تنظیم آنها بود.

۳. نسخه سوم دائرةالمعارف اسلام

پس از گذشت صد سال از انتشار اولین نسخه دائرةالمعارف اسلام، ویرایشی کاملاً جدید از این اثر منتشر می‌شود. تهیه‌کنندگان نسخه سوم این دائرةالمعارف کوشیده‌اند با جذب پژوهشگران رشته‌های گوناگون و منابع به‌روز شده، استانداردهای محققانه بیشتری از نسخه‌های پیشین در آن اعمال کنند. در ویرایش جدید، مقالاتی از مناطق جغرافیایی جنوب شرق آسیا، جنوب آسیا و افریقا وجود دارد؛ همچنین، اقلیت‌های مسلمان در همه جهان در قرن بیستم، در مدخل‌های این نسخه جای گرفته‌اند. از این رو ساختار ستادی متفاوتی برای این ویرایش در نظر گرفته شده است. بدین منظور، چهار سرویراستار اصلی متخصص در چهار قلمرو اصلی و هجده قلمرو فرعی برای مقالات انتخاب شده‌اند. دبیران این هجده قلمرو فرعی، خود مسئول انتخاب و تعیین مدخل‌ها و یافتن مؤلفان مناسب هستند. پاره‌ای از مدخل‌ها مثل مدخل‌های هنر، معماری، موسیقی و علوم موضوعی‌اند؛ و سایر مقالات صرفاً به منطقه و دوره زمانی خاصی مربوط می‌شوند، برای مثال تاریخ ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مدنظر قرار گرفته است. مقالات این ویرایش به‌محض آماده‌شدن همزمان به دو صورت فیزیکی و الکترونیکی منتشر خواهد شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

چهار قلمرو اصلی ویرایش جدید دائرةالمعارف اسلام عبارت‌اند از: دامنه فراگیر اسلام در قرن بیستم، گسترش کانون جغرافیایی، توجه به اقلیت‌های مسلمان در همه دنیا و توجه کامل به علوم اجتماعی و ابعاد انسان‌شناسانه.

نکته مهم دیگر در ویرایش سوم آن است که برخلاف ویرایش دوم که ویژه متخصصان و محققان بود، در ویرایش سوم مدنظر است محققان، دانشجویان و مخاطبان عام‌تری مدنظر باشد. (<http://referenceworks.brillonline.com/browse/encyclopaedia-of-islam-3/alpha>)

از جمله همکاران برجسته در نگارش ویرایش سوم دائرةالمعارف اسلام، رابرت گلیو است که با نگارش مقالاتی در زمینه تخصصی خود (فقه و تاریخ فقه شیعی)، گامی مناسب

در معرفی شخصیت‌های برجسته شیعی به دانش پژوهان غربی برداشته است. مقالات زیر از وی در این اثر به چاپ رسیده است:

بحرالعلوم، محمد مهدی الطباطبائی (۱۲۱۲-۱۱۵۵ق)، فقیه و متکلم شیعی اصولی؛ شیخ احمد بن محمد البحرانی (د. ۱۱۰۲ق)، فقیه و متکلم شیعی و شاگرد علامه مجلسی؛ شیخ علی بن سلیمان البحرانی (د. ۶۷۲ق)، فیلسوف و متکلم شیعی؛ آقامحمد علی البهبهانی (۱۲۱۶-۱۱۴۴ق)، فقیه اصولی؛ آیت الله محمد البهبهانی (۱۹۶۳-۱۸۷۴م)، فقیه شیعی و فعال سیاسی؛ محمد باقر البهبهانی (د. ۱۲۰۵ق)، فقیه شیعی اصولی؛ ابوالفتح الرازی (سده ششم ق)، نویسنده و سخنران شیعی و مفسر قرآن؛ اخباریه و اصولیه (دو مکتب فقهی اندیشه امامی)؛ [امام] علی بن ابی طالب (ع).

رابرت گلیو تا چندی پیش مدیر اجرایی «انجمن مطالعات خاورمیانه بریتانیا» و کتابدار افتخاری «مؤسسه ایران شناسی بریتانیا» و پژوهشگر و استاد مراکز متعدد علمی - آموزشی چون کالج سنت جونز آکسفورد، دانشگاه میچی توکیو، میشیگان و واشنگتن سیاتل و رئیس بخش مطالعات عربی دانشگاه اکستر در جنوب انگلستان بود (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۸۷-۲۸۶) و اکنون در دانشگاه شیکاگو مدرس کرسی مطالعات اسلامی است.

با این زمینه‌ها، سؤال اصلی در بررسی مقاله «علی بن ابی طالب» رابرت گلیو در ویرایش سوم *دائرة المعارف اسلام* این است که آیا مؤلف در این اثر هم رویکرد عالمانه و پدیدارشناختی پیشین را دنبال کرده است یا خیر؛ و اینکه اساساً در این اثر چه تصویری از امام علی (ع) ارائه شده است. بی تردید نگاه غربیان به امام علی بن ابی طالب (ع)، مرکز اصلی دیدگاه آنها به جهان تشیع و شیعیان است. لذا آگاهی از دیدگاه آنان به همان اندازه که رویه و رویکرد آنها را در حوزه شیعه پژوهی مشخص می‌کند، در آمادگی شیعیان برای پاسخگویی به نقدها و ردیه‌هایشان بر شیعه و مبانی فکری، سیاسی و اجتماعی آن تأثیر بسزایی داشته است و دارد.

از دشواری‌های پژوهش حاضر، حجم گسترده اطلاعات شامل تاریخ سیاسی، فرقه‌ای، معرفتی، تفسیری و کلامی است که بررسی و نقد این حوزه وسیع مطالعات تخصصی و میان‌رشته‌ای را می‌طلبد؛ که به حمدالله با عنایت حضرت حق و جوششی که از مهر حضرت امیر (ع) در روح و جانمان جاری است، بسیاری از موانع و دشواری‌ها مرتفع شد. با این حال، پژوهش حاضر به رغم استفسار بسیار، مدعی بررسی و نقد تمامی دیدگاه‌های مؤلف نیست و از نقدها و نظرهای بعدی صاحب‌نظران استقبال می‌کند.

در پژوهش پیش‌رو، بیشتر به مواردی توجه شده که نظر مؤلف نیازمند تبیین و نقد بوده است. مطالب مقاله رابرت گلیو هم با علامت سجاوندی نقل‌قول از نقدها و توضیحات نگارنده پژوهش حاضر تفکیک شده و قابل تمیز است.

۴. بررسی و نقد مقاله

در بررسی و نقد مقاله رابرت گلیو، با حفظ تقسیم‌بندی او، درباره نواقص، ابهامات و اشکالات آن به شرح زیر بحث می‌شود:

۱.۴ تولد و اوایل زندگی (۶۱۱-۶۰۰ میلادی)

رابرت گلیو، بنابر سنت دائرةالمعارف‌نویسی، آغاز مطالب خویش را با ذکر نام و نسب حضرت امیر(ع) محققانه آغاز می‌کند. اما درباره ابوطالب — پدر بزرگوار آن حضرت(ع) — نوشته است که او کافر مُرد. درست است که درباره زمان و کیفیت اسلام‌آوری ابوطالب گزارشی نیامده است، ولی وجود شواهد تاریخی پیرامون مواضع عملی ابوطالب، اقوال و اشعار او و نظر اهل‌بیت(ع) درباره‌اش چنین می‌نمایاند که او مُسلم درگذشته است؛ از آن جمله: دعوت همسر خود فاطمه بنت اسد به اسلام (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ج ۱۳، ص ۲۷۲)، منع نکردن فرزندان از نمازگزاردن در کنار حضرت رسول(ص) و حتی تشویق آنها (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۹۹: ج ۱، ص ۳۸۷)، حمایت بی‌دریغش از پیامبر(ص) و همراهی با آنها در شعب ابوطالب (ابن‌هشام، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۶۷ و ج ۲، ص ۳۰) و ستودن اسلام برادرش حمزه (کلینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ص ۴۴۹) و بیش از هزار بیت اشعار و اقوال او در تأیید پیامبر(ص) و رسالت او که در کتابی به‌نام *دیوان اشعار ابوطالب* گرد آمده است (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۷۸؛ شهرستانی، ۱۹۴۸م: ج ۲، ص ۲۲۱). پیامبر(ص) در فوت ابوطالب سخت گریست و از خداوند برای او طلب شفاعت، مغفرت و جزای خیر کرد (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ج ۱۴، ص ۷۶؛ ابن‌هشام، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۰) و او را تشییع کرد (یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۵۰)، درحالی‌که تشییع جنازه کافر و شفاعت آن بایسته پیامبر خدا(ص) نبوده و خداوند متعال از آن نهی کرده است و یقیناً اگر ابوطالب کافر بود، آن حضرت(ص) درباره او چنین نمی‌کرد (توبه/۱۱۳). سخنان علی(ع) در عدم بت‌پرستی و حنیف‌بودن (ابن‌بابویه، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۷۵) و مستوجب‌الدعوه‌بودن ابوطالب (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۳۵، ص ۱۱۰) و سخنان امامان سجاد(امینی، ۱۳۶۶: ج ۷، ص ۳۸۱)، باقر

(حلبی، بی تا: ج ۳، ص ۲۰۵) و صادق و کاظم (ع) (کلینی، ۱۳۹۷ق: ج ۱، ص ۴۴۵) از مُسلم مردن او حکایت دارد.

همچنین درباره مادر گرامی آن حضرت (ع) می آورد:

فاطمه بنت اسد آشکارا به اسلام گروید، بسیار مورد احترام پیامبر [ص] بود... و علی به طور غیر معمولی در داخل خانه کعبه نزدیک به سال ۶۰۰م (سال سی ام عام الفیل/۵۷۰م) تولد یافت.

توضیح آنکه بنابر اقوال مشهور و ثقه، مادر آن حضرت (ع) پس از نزول آیه ۱۲ سوره مبارکه ممتحنه^(۱) درباره بیعت زنان، با پیامبر (ص) بیعت کرد (اصفهانی، ۱۹۸۷م: ۵؛ ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۱، ص ۶). از آن بانو به عنوان نخستین زن بیعت کننده بعد از حضرت خدیجه (س) (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۲۲۷؛ ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹: ۳۱) و جزء یازده تن سابقین در اسلام (ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۱، ص ۶) نام برده اند.

گلیو به روز تولد آن حضرت (ع) اشاره ای نکرده است. در این باره، مطابق برخی از نقل ها، روز تولد آن حضرت (ع)، هفتم، بیست و سوم شعبان و نیمه رمضان است (مفید، ۱۴۱۴ق: ۳۵؛ مسعودی، ۱۳۲۰: ۱۳۴)؛ اما بنابر قول مشهور، آن حضرت (ع) در سیزدهم رجب سال مذکور (ده سال پیش از بعثت و بیست و سه سال قبل از هجرت) به دنیا آمد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۱۵۳؛ ابن حجر عسقلانی، بی تا: ج ۶، ص ۱۹). بی تردید مراد مؤلف از شیوه نام معمول تولد آن حضرت (ع) نیز فضیلت مولود کعبه بودن است که تنها نصیب او شد و نه تنها شیعیان، بلکه بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت (نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ص ۵۵۰؛ ابن جوزی، ۱۴۰۱ق: ۲۰؛ شافعی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۷؛ ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۱۷۱؛ حلبی، بی تا: ج ۱، ص ۲۲۶) معترف این فضیلت حضرت امیر (ع) بوده و آن را در بیان کیفیت تولد ایشان نقل کرده اند.

۲.۴ گرویدن به اسلام و همراهی با پیامبر (ص) (۱۱-۶۱۰ تا ۶۳۲م)

رابرت گلیو در بحث از اسلام آوری حضرت علی (ع) و بحث نخستین مسلمان، ابتدا اختلاف نقل ها در این باره — که برخی زید بن حارثه و ابوبکر را مقدم بر علی (ع) پنداشته اند — را مطرح می کند و در پایان، به طور ضمنی روایات بیانگر تقدم اسلام آوری علی (ع) را ترجیح می دهد:

در نخستین روایات، نام [امام] علی [ع] قبل از ابوبکر آمده است.

اما سخن او درباره بلوغ یا عدم بلوغ آن حضرت (ع) در زمان اسلام آوری، خالی از تحلیل و نقل صرف است؛ آنگاه که می نویسد:

منابع شیعی و برخی از منابع سنی گواهی می دهند که [امام] علی [ع] اندکی بعد از خدیجه به اسلام گروید؛ گرچه او در آن زمان هنوز به سن تکلیف نرسیده بود (منابع، سن او را از ۹ تا ۱۱ ذکر کرده اند؛ ابن هشام، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴ و ۱۶۲؛ طبری، بی تا: ج ۲، ص ۹، ۳ و ۱۰).

در حالی که علاوه بر اجماع مورخان (ابن هشام، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۶۲؛ بلاذری، ۱۴۰۰: ج ۱، ص ۱۱۲؛ ابن حنبل، بی تا: احادیث ۱۹۷۹۶ و ۱۷۲۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۱۰۹۰؛ قرطبی، بی تا: ج ۵، ص ۳۰۷۵) بر تقدم اسلام آوری علی (ع)، خود آن حضرت (ع) مکرر از این مهم سخن رانده اند، به ویژه آنجا که در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه می فرمایند: «لم یستبقنی الا رسول الله به الصلاة» (سیدرضی، ۱۳۶۸: خطبه ۱۳۱، ص ۴۰۷)؛ در حالی که ابوبکر و دیگران هیچ گاه چنین مدعایی نداشتند. مهم تر از همه اینکه تقدم ابوبکر بر امام علی (ع) اغلب با استدلال کم سن بودن آن حضرت (ع) مطرح شده، چنان که مسعودی به ظرافت پرده از نهانش برداشته است (مسعودی، ۱۸۹۴: م: ۱۹۸). در صورتی که این مطلب به هیچ وجه از اهمیت موضوع نمی کاهد، به خصوص که در قرآن کریم به صراحت آمده است: ما حضرت یحیی (ع) (مریم/۱۲) و حضرت عیسی (ع) (مریم/۳۰) را در سن کم به رسالت برگزیدیم. به علاوه، اینکه رسول خدا (ص) از آن حضرت (ع) دعوت کردند اسلام بپذیرد، دال بر بلوغ فکری آن حضرت (ع) است؛ و گرنه دعوت پیامبر (ص) از طفلی نابالغ در شرایطی که به اسلام آوری افراد بالغ و عاقل نیاز بود، چه معنا داشت؟! همچنین، به گواهی منابع اهل سنت، اسلام ابوبکر بعد از نزول سوره اسراء بود و به دنبال آن پیامبر (ص) به ایشان لقب «صدیق» داد و اینکه سوره اسراء و اعطای لقب مذکور بعد از معراج پیامبر (ص) رخ داده است (حلبی، بی تا: ج ۱، ص ۲۷۳). مهم تر اینکه از نظر تاریخی، اسلام ابوبکر قبل از علی (ع) به اثبات نرسیده است و حتی در برخی از کتب معتبر، ۵۰ نفر را پیش از ابوبکر در شمار مسلمین ذکر کرده اند (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۶۰؛ ابن کثیر، بی تا: ج ۳، ص ۲۸).

گلیو از حدیث یوم الدار (حدیث انذار) با تردید سخن می راند و می نویسد:

احتمالاً در اوایل رسالت، حضرت محمد (ص) در مکه، در میان مسلمانان اعلام داشته [اند] که [امام] علی [ع] برادر، امین و جانشین من است (اخی، وصی و خلیفتی).

از این تشکیک چنین برمی آید که گلیو در برخی مواضع استفسار لازم را نکرده و همین مطلب او را در دام تنها نوعی از منابع (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ص ۸۰) انداخته است؛ در حالی که اجابت دعوت پیامبر (ص) از سوی علی (ع) در این موضع و سخن پیامبر (ص) درباره آن حضرت (ع) در بسیاری از منابع تاریخی هنگام سخن از نخستین دعوت آشکار پیامبر (ص) و ذیل تفسیر آیه های ۲۱۴ و ۲۱۵ سوره شعراء در بسیاری از کتب تفسیری و کلامی آمده است (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۳۲؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ص ۱۱۱ و ۱۵۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۶۴۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۴۷).

مطلب قابل نقد دیگر، اظهار نظر گلیو درباره رخداد تاریخی غدیر است:

این واقعه را می توان به عنوان تفویض رهبری معنوی — نه رهبری سیاسی — دانست.

در این باره به طور کلی می توان گفت که شیعه پژوهان دهه اخیر در برخورد با رخداد غدیر با گذر از رویکردهای سکوت و نفی ماهوی مستشرقان سابق چون بروکلمان (Brockelmann, K.) (۱۹۳۹: ۳۷۰) و گلدزیهر (۱۹۷۱: ۱۱۳-۱۱۲)، به سوی برداشت معنای غیرواقعی از واژه «مولی» — چون برداشت معنای ناصر و سرپرستی — رفته و دچار کج فهمی اند (Madelung, 1996: 309-310; Vagliri, 1993; Morony, 2000: 153). البته برخی دیگر هم محققانه و روش شناسانه این رخداد را بررسی کرده اند (Graham, 1999: 34FF; Dakake, 2007: 194). به هر تقدیر، تعلق این حدیث به تفویض رهبری سیاسی حضرت امیر (ع) در پژوهش های مستند و مستدل بسیاری برای جویندگان تبیین شده است (مدنی، ۱۳۷۷: ۱۵۳-۱۲۱).

۳.۴ دوره سه خلیفه اول (۳۵-۱۰هـ/۶۵۶-۶۳۲م)

رابرت گلیو در بحث از رخداد های پس از سقیفه و دلایل سکوت حضرت علی (ع) مستدل و مستند سخن رانده است. اما سخن تردید آمیز او آنجا که می گوید «احتمالاً [امام] علی (ع) خود را جانشین منصوب از جانب پیامبر [ص] می دانست، اما انتخاب نشد و ...» با قراین و شواهد تاریخی سازگار نیست؛ زیرا به استناد منابع معتبر، آن حضرت (ع) به محض اطلاع از انتخاب سقیفه، با ضعیف خواندن احتجاج های مهاجران، خود را مستحق تر از آنها شمرد (ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۱، ص ۱۱۶) و پس از آن نیز چندی همراه فاطمه زهرا (س) و حسنین (ع) با حضور در منزل انصار در بازیابی حق از دست رفته خود کوشید و حتی برخی

آن حضرت (ع) را به حرص برای خلافت متهم کردند و ایشان در این موضع و مواضع دیگر (سیدرضی، ۱۳۶۸: خطبه ۱۷۲؛ تقفی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۷) از حق خود دفاع کردند. مهم‌ترین سند در این باره، خطبه معروف «شقیه» است (ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا: ج ۹، ص ۵۸). از قضا گلیو نیز در بحث از آثار منسوب به امام (ع)، از این خطبه سخن به میان می‌آورد، که به مثابه اعلامیه‌ای، روشنگر اعتقاد امام (ع) به محق‌بودن و تضحیح این حق از سوی خلفاست.

به‌علاوه، رابرت گلیو مدت زمان استنکاف حضرت علی (ع) از بیعت با خلیفه نخست را، مطابق نظر رایج، ۶ ماه بیان می‌کند؛ در حالی که بازخوانی روایات مربوط به زمان بیعت‌ستانی از حضرت علی (ع) و رخدادهای هم‌عرض آن و شرایط دارالخلافة مسلمین، این زمان طولانی را منطقی نمی‌نمایاند. باید توجه داشت که نقطه مشترک اغلب روایات درباره زمان بیعت‌ستانی از حضرت علی (ع) — چه آنها که زمان بیعت را ۶ ماه (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۵، ص ۸۲ و ۸۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ص ۱۵۳) و چه آنها که کمتر (مسعودی، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۴۶؛ ابن‌قتیبه دینوری، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۳۰-۲۹) اعلام کرده‌اند، به‌استثنای اقوال کسانی که معتقدند آن حضرت (ع) هرگز بیعت نکرد (مفید، ۱۴۱۴ق: ۵۶-۴۰) — آن است که ایشان تا زمانی که فاطمه زهرا (س) در قید حیات بودند، بیعت نکردند. از سوی دیگر، به‌رغم آنکه برخی زمان شهادت آن حضرت (س) را ۶ ماه بعد از وفات پیامبر (ص) دانسته‌اند (طبری، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۴۸؛ مسعودی، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۴۶)، بعضی دیگر زمان‌های چهل روز (یعقوبی، بی‌تا: ج ۱، ص ۵۲۷)، هفتاد و پنج روز (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۹۶۰م: ۳۰-۲۹)، نود و پنج و صد روز (مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۷۶۴) و سه ماه (مسعودی، بی‌تا: ج ۱، ص ۶۵۷-۶۴۶) بعد از زمان شهادت آن بانو اعلام کرده‌اند. اگر شرایط دشوار حکومت اسلامی مقارن این ایام — که درگیر فتنه اهل رده بود و گزارشی که در آن، بیعت به‌صراحت مقارن این فتنه دانسته شده است (تقفی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۳۶) — و تعجیل و فشار حکومتیان برای بیعت — هجوم به منزل حضرت علی (ع) برای بیعت‌ستانی (ابن‌عبدربه، ۱۴۰۳ق: ج ۴، ص ۲۶۰-۲۵۹) — و مهم‌تر از همه، خیرخواهی آن حضرت (ع) برای امت را بیفزاییم، زمان تقریبی سه ماه تا سه ماه و نیم، اقرب به صواب بیشتری می‌نمایاند.

در مقابل، نظر گلیو درباره علل کناره‌گیری امام علی (ع) از امور حکومتی و ظاهر شدن در نقش منتقد و مشاور و دوستدار توسعه حکومت اسلامی محققانه و منصفانه است. از سوی

دیگر، مقدمات بحث او در مورد دیدگاه و سیاست امام (ع) در خصوص عثمان و دخالت آن حضرت (ع) در جریان شورش علیه او آنجا که می‌نویسد «اعتراضات آنها [مخالفتان عثمان]، همراهی [امام] علی (ع) و یارانش و دیگر احزاب عراقی را به دنبال داشت»، با نتیجه پایانی بحث [امام] علی (ع) به‌طور مستقیم درگیر نشد، هماهنگ نمی‌نماید، مگر آنکه منظور او از همراهی امام علی (ع) با اعتراضات چنین در نظر آورده شود که آن حضرت (ع) به‌رغم موافق نبودن با سیاست‌های حکومتی و دینی عثمان، در پدید آوردن آن غائله و قتل عثمان دخالت نکرد.

۴.۴ چهارمین خلیفه راشد (۴۰-۳۵هـ/۶۶۱-۶۵۶م)

گزارش‌های گلیو درباره علل اکراه و اجتناب اولیه علی (ع) از پذیرش خلافت و تأثیر رخداد قتل عثمان در کیفیت حکومت حضرت علی (ع)، پدیدارشناسانه است؛ اما در تحلیل نهایی باز به خطا می‌رود:

پس از آنکه معلوم شد از حمایت خوبی برخوردار است، مقام خلافت را پذیرفت.

اگر مقصود مؤلف از «حمایت خوب»، حضور حاضران باشد که حجت بر آن حضرت (ع) تمام کرد و آن حضرت (ع) پذیرش خلافت را بر خود تکلیف دانستند، پذیرفتنی است (منقوری، بی‌تا: ۱۱۹)؛ اما انتساب منفعت‌طلبی شخصی در قاموس اخلاقی و مشی علی (ع) نمی‌گنجد، چنان‌که آن حضرت (ع) با کناره‌گیری و سکوت ۲۵ ساله خود این مهم را به اثبات رساند.

همچنین، این سخن گلیو که علی (ع) «تنها پس از اطلاع از تلاش طلحه برای کسب حمایت مردم، به‌صراحت از حق خلافت خود سخن گفت»، با قراین سازگار نیست؛ به‌ویژه با تکیه بر مطالب پیش‌گفته‌شده و اینکه امام (ع) حکومت را ابتدا بر طلحه و زبیر عرضه کرد و زمانی که نپذیرفتند و با حضور حاضران حجت را بر خود تمام دید، پذیرفت.

گلیو ضمن اذعان به اختلاف گزارش‌ها درباره زمان بیعت‌ستانی و نخستین بیعت‌کننده و اظهار به دو بیعت عمومی و خصوصی، می‌نویسد: «بدون شک، برخی با طیب خاطر ... و برخی هم چون طلحه و زبیر از روی اکراه و اجبار یا تهدید بیعت کردند».

نظر گلیو درباره بیعت خصوصی با آن حضرت (ع)، ناظر به روایت منفرد ابن عساکر (۱۹۹۵م: ج ۳، ص ۱۲۴-۱۲۳ و ۳۴۰) است که برطبق آن، ابتدا در خانه علی (ع)

یا خانه عمر بن محض انصاری با آن حضرت (ع) بیعت شد. از سوی دیگر، در بعضی از منابع، مالک اشتر (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۴۷-۴۶) و در برخی دیگر طلحه نخستین بیعت کننده معرفی شده است (ابن اعثم، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۳). به فرض پذیرش گزارش ابن عساکر، می توان بیعت مالک را مربوط به بیعت خصوصی در خانه علی (ع) یا عمر بن محض انصاری و طلحه را نخستین در بیعت عمومی — در مسجد — برشمرد. به علاوه، برخلاف نظر گلیو، نمی توان بیعت به اجبار طلحه و زبیر و دیگران را پذیرفت: نخست به این دلیل که در قریب به اتفاق منابع متقدم از طیب خاطر مردم در بیعت با علی (ع) سخن رانده شده که در این گزارش ها بیعت طلحه و زبیر نیز آمده است (متقری، بی تا: ۱۱۹؛ دینوری، ۱۹۶۰: م: ۱۷۶؛ ابن هلال، ۱۴۱۱: م: ۱۳۲-۱۳۱؛ یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ ابن اعثم، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۳۹۲-۳۸۹)؛ دیگر آنکه امام علی (ع) ابتدا خلافت را بر طلحه و زبیر عرضه داشت و پس از نپذیرفتن آنها و استقبال حاضران پذیرفت (ابن اعثم، ۱۴۱۲: ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۳). مهم تر از همه اینکه خود حضرت (ع) به صراحت بیان داشته که طلحه و زبیر را به بیعت مجبور نکرده است بلکه آنها خود بیعت کردند (ابن هلال، ۱۴۱۱: م: ۱۳۲-۱۳۱) و اینکه آن حضرت (ع) هیچ گاه از کسی به زور بیعت نخواست، چنان که بعد از غائله شورشیان جمل، از مروان که می گفت «تنها اگر زور باشد، بیعت خواهد کرد»، بیعت نگرفت (بالذری، ۱۴۰۰: ج ۲، ص ۲۶۳). به احتمال زیاد، مورخان سخنان طلحه و زبیر نزد عایشه در مکه (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۱۸۰) و توجیهات آنان در شورش علیه علی (ع)^(۲) را با این مبحث خلط کرده و پژوهشگرانی چون رابرت گلیو آن را مبنای تحلیل و نظر خود قرار داده اند.

افزون بر آن، بهتر بود گلیو این اظهار نظر خود را که «افراد سرشناس دیگری که بیشتر از انصار بودند، از بیعت با [امام] علی (ع) سرباز زدند»، با توضیحی روشن می ساخت تا خواننده درباره موضع انصار در بیعت با امام علی (ع) به خطا نرود. این گزارش گلیو ناظر به روایت عبدالله بن حسن است که رؤسای ذی نفع انصار و کارگزاران عثمان را در شمار متمردان از بیعت آورده است (طبری، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۲۳۳۹-۲۳۳۷). با مقایسه این مطلب و گزارش یعقوبی مبنی بر بیعت اغلب انصار و سخنان برخی از انصار چون ثابت بن قیس و... در حمایت از علی (ع) (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۱۷۹-۱۷۸) معلوم می شود که جز گروه ذی نفع مذکور، دیگر انصار با طیب خاطر بیعت کرده بودند.

از سوی دیگر، در کنار قابل تأمل بودن نظر گلیو درباره تأثیر رخداد «افک»^(۳) در تشدید

دشمنی عایشه با علی (ع)، این ادعای او که «طی آن (رخداد افک)، [امام علی (ع)] اورا به دلیل مسائل اخلاقی تنبیه و سرزنش کرد»، پذیرفتنی نیست؛ زیرا تا آنجا که جست و جو شد، گزارشی حاکی از تنبیه عایشه از سوی حضرت امیر (ع) در جریان این رخداد نیست. منابع از جریان رخداد افک، شور پیامبر (ص) با امام (ع) و نظر او سه قول دارند: نظر امام (ع) بر جایگزینی زنی دیگر و تحقیق از «بریره» کنیز عایشه (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۱۴، ۳۲۰ و ۳۲۴)، تنبیه بریره برای کشف واقعیت (ابن هشام، ۱۳۶۳: ج ۳ و ۴، ص ۲۱۲ و ۳۰۱) و شهادت بر پاکدامنی عایشه (حلبی، بی تا: ج ۳، ص ۳۰۶؛ طوسی، بی تا: ج ۲، ص ۵۸۱)؛ از این رو محتمل است که گلیو گزارش مربوط به تنبیه کنیز را با آن خلط کرده باشد. گلیو همچنین روند شکل گیری نبرد جمل، بافت عقیدتی و اجتماعی نیروهای درگیر و علل پیروزی سپاه امام علی (ع) را با نگاه جامعه‌شناسی تاریخی به تصویر کشیده، ولی درباره نحوه برخورد امام (ع) با عایشه به رغم اعتراف او به اغراق‌هایی که در این باره صورت گرفته، در نتیجه گیری نهایی به خطا رفته و آورده است: «یاران علی پیروز شده و عایشه محبوس گشت و با حالتی تحقیرآمیز به مکه بازگردانده شد».

در حالی که برخلاف نظر او، علی (ع) هیچ‌گونه بی‌احترامی به همسر پیامبر (ص) نکرد. تنها برخورد امام (ع)، بنابر گزارش صاحب کتاب جمل، این بود که پس از شکست گروه بغی، با عبارت «یا شقیرا» او را به خاطر این تمرد سرزنش کرد (مفید، ۱۳۷۴: ۳۶۹). در نهایت هم با احترام تمام برادرش محمد بن ابی بکر — که محرم او بود — و شماری از زنان نقابدار در لباس مردان، او را در حالی که در هودج خود نشسته بود (نه اینکه محبوس باشد)، روانه بصره و از آنجا در معیت گروهی بصری او را روانه مدینه ساختند و عزیمت عایشه از بصره به مکه بدون گروه مذکور صورت گرفت (بلاذری، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ص ۲۴۹؛ مفید، ۱۳۷۴: ۴۱۵).

رابطه گلیو در بحث از اقدامات امام (ع) در مقابل معاویه، پیرامون نامه‌نگاری‌های میان آن دو و دلیل انتخاب جریر بن عبدالله بجلی به عنوان پیک مذاکره‌کننده از سوی امام (ع)، تحلیلی ناظر به تمامی ابعاد قضیه نداشته و بر این عقیده است که «انتخاب حامی سابق عثمان [جریر] که با [امام علی (ع)] بیعت کرده بود، نشان‌دهنده آن است که او در فکر کسب بهترین فرصت برای موفقیت بود»؛ و با وجود اذعان به عدم مصالحه امام (ع) با معاویه در این نامه‌نگاری‌ها، در تحلیل این بخش از نامه امام (ع) به معاویه که فرموده بود «کسانی که با من بیعت کرده‌اند، همانهایی هستند که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت

کرده‌اند» (منقری، بی تا: ۲۹)، «به خطا رفته و آورده است: «او با این سخن می‌خواست به مقبولیت خلفای نخست نزد خود تظاهر کند تا معاویه بیعت کند».

در صورتی که سخن امام (ع) ناظر به خالی از اشکال بودن حکومت او طبق مبانی مورد پذیرش همگان — بیعت همگانی — در آن زمان و اثبات بغی کردن معاویه است (منقری، بی تا: ۴۵). بی تردید اگر گلیو دیگر نامه‌های رد و بدل شده میان آن دو را می‌دید، اینگونه به خطا نمی‌رفت؛ زیرا در آن نامه‌ها امام (ع) به صراحت بر حق خویش و غضب خلافتش از سوی آنان تأکید و دلیل بیعت با تأخیرش با ابوبکر را تبیین می‌فرماید (بلاذری، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ص ۲۸۲-۲۷۷؛ ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۱۵، ص ۷۳). درباره دلیل انتخاب جریر بن عبدالله هم باید توجه داشت که معاویه تبلیغات گسترده‌ای علیه علی (ع) دال بر قتل عثمان در شام انجام داده بود، لذا امام (ع) به دنبال فرد کارآموده‌ای بود که ضمن تدین و دینداری، علاوه بر پیغام‌رسانی، خشتی‌کننده این تبلیغات باشد و جانش نیز به‌عنوان نماینده ویژه در سایه دوستی‌اش با معاویه در امان باشد (ابن اعثم، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۵۱۴). جریر خود را در این راستا به امام (ع) معرفی کرد (منقری، بی تا: ۴۷؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۹۹ق: ج ۲، ص ۳۵۹؛ ابن اعثم، ۱۴۱۲ق: ۵۱۵)؛ امام (ع) نیز در دلیل انتخاب جریر به او گفته بود: «من تو را به سبب گفته پیامبر (ص) که در حقت فرمود: همانا تو از بهترین مردم یمنی، بر همه برگزیدم» (منقری، بی تا: ۴۷-۴۸).

علاوه بر اینها، گلیو زمان حرکت سپاه حضرت (ع) به سوی شام (صفین) را به خطا ذی‌الحجه ۳۶هـ ق اعلام کرده در حالی که زمان حرکت امام (ع) از نخیله به سوی صفین ۵ شوال سال مذکور بوده است (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۸: ۱۷۶؛ منقری، بی تا: ۱۳۱).

مهم‌تر آنکه مقصود گلیو از این سخن که «[امام] علی (ع)» برای پذیرش حکمیت خواستار چیزی برای متقاعدشدن بود، روشن نیست؛ در حالی که علی (ع) و شماری از پیروان عقیدتی او چون مالک اشتر خواسته‌ای جز پیگیری جنگ نداشتند و حکمیت را نیرنگ معاویه می‌دانستند (منقری، بی تا: ۶۶۲ و ۶۷۳-۶۶۶).

گلیو در ادامه، پس از ذکر چگونگی شهادت حضرت علی (ع)، می‌آورد: «حسن پسر بزرگ [امام] علی (ع) — و طبق مذهب تشیع، جانشین برگزیده او — ابن ملجم را دستگیر و سپس سر او را از تنش جدا کرد و جسدش را سوزاندند».

این نظر گلیو، تحت تأثیر گزارش افرادی چون ابن سعد و ابن قتیبه داده شده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ص ۴۰-۳۹؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۶۱)؛ که

بنابر شواهدی صحیح نمی‌نماید، از آن جمله: مدارای حضرت علی (ع) با آن شقی و وصیتش درباره قصاص با اضرابه (سیدرضی، ۱۳۶۸: ۳۷۸) و سخن ابن بطوطه (۱۹۶۴م: ۲۲۰) در اشاره به محل دفن او در بخش غربی کوفه. یقیناً حسنین (ع) برخلاف وصیت پدر عمل نمی‌کردند؛ و بر فرض محال اگر هم سوزانده شده بود، چگونه آن را دفن کردند؟ درحالی که طبق روال معمول، خاکستر اجساد سوزانده شده مخالفان را بر باد می‌دادند و یا به فرات می‌ریختند و دفن نمی‌کردند (طبری، بی تا: ج ۵، ص ۵۳۷؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۹۹: ج ۴، ص ۲۷۰).

۵.۴ اقوال و آثار منسوب به [امام] علی (ع)

آنچه گلیو درباره آثار منسوب به امام (ع) آورده، به‌رغم دربرداشتن برخی از مهم‌ترین آنها، نواقص و اشکالاتی هم دارد:

نخست آنکه محتوای کتاب جعفر، برخلاف نظر او، سحر و جادو نبوده بلکه حوادث کائنات است و امام علی (ع) آن را در پوست بز یا گوسفند (جفر) نوشت که وجه تسمیه آن هم همین است (صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۹-۱۵۷؛ عسکری، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۲۳). این برداشت ممکن است تحت تأثیر روایات اشتباهی باشد که علم جعفر (علم پیشگویی و انجام امور خارق‌العاده) را بر این کتاب تعمیم داده و حتی آن را جفر جامع نامیده‌اند (← صفی، بی تا: ۷؛ اخلاطی، بی تا: ۲۱؛ عطاری، ۱۳۶۵: ۳)؛ لذا شایسته بود با استفسار بیشتر در دام این گونه منابع نمی‌افتاد.

دیگر آنکه در شمار آثار منسوب به آن حضرت (ع)، ذکر مواردی چون جنۃ الاسماء، الامثال الامام علی بن ابی طالب (ع)، مسند امام علی (ع)، قضاوت‌های علی (ع) (جمع‌آوری شده)، وصیت به محمد بن حنفیه، کتاب آخر فی الفقه، کتاب فی ابواب الفقه، کتاب الفرائض (طوسی، ۱۴۰۱ق: ج ۹، ص ۲۴۷)، کتاب اعلی فیہ ستین نوعاً من انواع علوم القرآن (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ص ۵۰)، کتاب الامثال (امین، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۳۳۲ و ۳۳۳)، کتاب الآداب، کتاب علی (درباره حلال و حرام؛ برقی، ۱۳۳۱: ۱۹۳)؛ کتاب الجامعه (درباره احکام حلال و حرام، با املائی پیامبر (ص) و خط علی (ع)؛ صفار قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۶-۱۴۲؛ مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۲۶، ص ۲۵)، و مهم‌تر از همه مصحف امام (ع) مغفول افتاده است.

مطلب دیگر، تشکیک گلیو درباره اسناد نهج البلاغه است. این تشکیک ممکن است ناظر به رویه مستشرقانی چون سیلوستر دو ساسی (بدوی، ۱۳۵۷: ۲۱۱-۲۰۴)، بروکلیمان، دوسلان

و گلدزیهر و کلمان هوار و رژی بلاشر (عبدالجلیل، ۱۳۷۶: ۹۶) در نگرش غیرمنصفانه به این اثر شریف باشد؛ درحالی که بحث اصالت اسناد نهج البلاغه را اغلب پژوهشگران به ویژه مستشرقان منصف تأیید و اثبات کرده اند (احمدوند و سحرکاوندی، ۱۳۸۷: ۳۳۷).

۶.۴ [امام] علی [ع] در نگاه اهل سنت

این سخن گلیو که نظریه اهل سنت درباره خلفای راشدین — و پذیرش علی (ع) توسط آنها — در دوران متأخر پدید آمده است و نقش احمدبن حنبل در تعدیل نظرهای اهل سنت و تحولی که مفهوم راشدین در تفکر اهل سنت از این رهگذر یافت، با سیر تحولات اندیشه‌ای و تاریخی دو قرن نخست هجری سازگار است. درمقابل، این مدعای او که «پیدایی این نظریه ممکن است به این دلیل باشد که برخی از عالمان در راستای ایجاد وحدت اهل سنت، اتحاد و تلفیق چهار خلیفه اول (که [امام] علی [ع] نیز جزء آنهاست) برای ایجاد نسخه‌ای از ارتدکس مسیحی در تاریخ مسلمانان کوشیده‌اند»، قابل تأمل است و پژوهشی مستقل می‌طلبد.

گلیو بحث را با سخن از حجم زیاد و تأثیرگذار اقوال امام (ع) در ادبیات و مجموعه حدیثی اهل سنت و مشکل سازبودن مواردی که حکایتگر افضلیت مقام آن حضرت (ع) است، پی می‌گیرد و ضمن اشاره به تفاسیر گوناگون حدیث غدیر، ذیل آن تفسیر غریبی دارد:

واژه «مولا» به سادگی بیانگر وابستگی مالی شخصی به شخص دیگر است (پیامبر [ص]) از زمان کودکی مسئولیت تأمین مالی [امام] علی [ع] را پذیرفته بود.

در این باره اغلب محققان و آگاهان به مقتضیات رخداد غدیر و مفسران بانصاف، معترف معنای واقعی واژه «مولی» در حدیث متواتر غدیر بوده‌اند و خواهند بود.

۷.۴ جایگاه [امام] علی [ع] در میان اهل تصوف

گلیو درباره جایگاه امام علی (ع) به عنوان انتقال‌دهنده اصلی سخنان پیامبر (ص) و یکی از پیروان پرهیزگار او و تأثیر این امور در نگرش اهل تصوف به علی (ع) به عنوان رهبر معنوی خود و منشأگرفتن تشریحات آنها از این موارد به خوبی بحث کرده است.

او تصریح می‌کند که امام علی (ع) عنصر مرکزی اسطوره‌های طرق مختلف اهل تصوف، شیعیان و اهل سنت است و اغلب آنها سلسله تبار خود را از طریق آن حضرت (ع) به

پیامبر (ص) می‌رسانند؛ در عین حال، در بطن مقامی که برای آن حضرت (ع) قائل‌اند، معتقدند که مقام معنوی و علمی علی (ع) را پیامبر (ص) به ایشان اعطا کرده‌اند؛ و جایگاه آن حضرت (ع) حتی نزد «نقشبندیه» — که سلسله خود را به ابوبکر می‌رسانند — محفوظ و متعالی است.

۸.۴ جایگاه [امام] علی (ع) در الهیات تشیع

رابرت گلیو به جایگاه والای علی (ع) در میان فرق شیعه معترف است و اقوال و سلوک او را منشأ دستورات فقهی شیعیان — امامیه، زیدیه و اسماعیلیه — می‌داند و بر اعتقاد خالصانه شیعیان به افضلیت آن حضرت (ع) تصریح دارد؛ همچنین، به اعتقاد غلوآمیز برخی از فرقه‌های اسماعیلی و حتی حاکمان آنها چون «المستعی» پیرامون حضرتش (ع) اشاره داشته و بر انطباق نظر اسماعیلیه با امامیه در بهره‌مندی امام (ع) از علم غیب و شفاعت شیعیانش در روز قیامت رأی داده است.

به هر تقدیر، درباره نقش امام (ع) در روز قیامت و شفاعت شیعیان باید گفت که به گواهی احادیث و روایات، خداوند بهشت را برای افراد مطیع خلق کرده است، هر چند عبد حبشی باشند و جهنم را برای افراد گنهکار آفریده است، هر چند از بنی‌هاشم باشند (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۴۲، ص ۸۲). از سوی دیگر، بنا بر برخی دیگر از روایات، شیعیان در روز قیامت از جهنم نجات می‌یابند و رستگارانند (مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۶۵، ص ۴۷-۴۰). احمد بن حنبل در واکنش به اظهار شگفتی گروهی به سخنان حضرت علی (ع) درباره تقسیم بهشت و جهنم می‌گفت:

مگر روایت نشده است رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود «لایحیک الی مؤمن و لایبغضک الا منافق»؟ گفتند «آری؛ گفت: از آنجا که جایگاه مؤمن بهشت و منافق در جهنم است، پس علی منقسم بهشت و جهنم است». (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۲۰)

از سوی دیگر، این نظر گلیو که «در مذهب زیدیه، جایگاه [امام] علی (ع) در مقایسه با دیگر خلفای راشد، جدایی تبری و جارودیه را باعث شده است: تبری سه خلیفه اول را به حق می‌دانند، زیرا [امام] علی (ع) با حکومت آنها موافقت کرده بود؛ و جارودیه حکومت سه خلیفه نخست را ناحق می‌دانند و این دیدگاه آنها بود که سرانجام در نزد زیدیه پیدا و متداول شد»، علی‌التحقیق اقرب به صواب نمی‌نماید.

در توضیح این مطلب ضروری است عنوان شود که پذیرش خلافت مفضول به معنای برحق بودن خلفا نیست. عقیده به افضلیت علی(ع) و برحق بودنش برای تصدی امر خلافت از زمان خود زید وجود داشت؛ و سخن زید در رضایت به خلافت ابوبکر و عمر که به جریان روافض و جدایی گروهی از یارانش و درنهایت پایه اعتقاد به امامت مفضول منجر شد، با تأکید بر محق بودن علی(ع) برای حکومت همراه بود(طبری، بی تا: ج ۵، ص ۴۹۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۹۹ق: ج ۴، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ مشکور، ۱۳۶۸: ۲۱۴ به بعد). لذا اعلام محق بودن علی(ع) خود به طور ضمنی از ناحق بودن خلافت خلفای نخست حکایت دارد. پس این عقیده از همان ابتدا در میان زیدیه وجود داشت و نزد شعب دیگر زیدیه چون جارودیه تثبیت شد. البته این سخن که واقعاً زید به خلافت خلفای نخست رضایت داشت یا این سخن برای حفظ بخش عظیمی از یارانش بود که حکومت خلفای نخست را قبول داشتند، روشن نشده است.

همچنین شایسته بود که گلیو استدلال خویش پیرامون عقاید غیرقابل پذیرش غلاة شیعه چون نصیری، خطاییه، علویان و بکتاشیه ترکیه درباره الوهیت علی(ع) و ذات ملکوتی آن حضرت(ع) را با ذکر سخنی از پیامبر(ص) و ائمه(ع) به ویژه حضرت علی(ع) در این زمینه محکم تر می ساخت.

بی تردید، سیره امام علی(ع) یکی از بهترین روش های زندگی است که بشر تجربه کرده و آن حضرت(ع) نمود واقعی انسان کامل و شایسته نهادن اسم انسان به معنای خلیفه الهی در زمین است. اما همان گونه که پیامبر(ص) و حضرت امیر(ع) مکرر بیان فرمودند، دو طایفه دوستداران و دشمنان حضرتش از شدت حب و غیض مفرط بر او، هلاک می شوند(سیدرضی، ۱۳۶۸: خطبه ۱۲۷). مصداق قید اول، این غالیان اند که نزد جمله امامان(ع)(طوسی، بی تا: ۳۰۰؛ مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۴۴، ص ۲۷۱-۲۶۹) و جمیع بزرگان مظهر فساد عقیده اند.

۵. نتیجه گیری

شیعه پژوهی غربیان با پیشینه درازدامن خود، همچون مطالعات اسلامی، رویکردهای مختلفی به خود دیده است. در این زمینه، پژوهش های متعددی با رویکرد تبشیری، استعماری و عالمانه انجام شده است و خواهد شد. در میان پژوهشگران متعددی که میراث مکتوب، غیرمکتوب و زندگی بزرگان شیعه به ویژه ائمه(ع) را بررسی کرده اند،

رابرت گلیو جایگاه ویژه‌ای دارد. آغاز کنجکاوی‌های پژوهشی و مطالعات شیعی این پژوهشگر، بنابر سخن خودش و شواهد موجود، پیرامون اخباری‌گری و علل اصلی گرایش او به این حوزه، تحقیقات غیرعالمانه مستشرقان بوده است. به دیگر سخن، وی از ابتدا با هدف پدیدآوردن پژوهشی انتقادی به این مسیر گام نهاده است. البته نقش روحیه جست‌وجوگرانه و کنجکاوی او برای اطلاع از زیر و بم یکی از فرق بزرگ اسلامی یعنی تشیع را نباید از نظر دور داشت؛ لذا در حوزه‌های حقوق اسلامی، تاریخ تشیع، ... آثار بی‌شماری دارد. مقاله‌ای که در پژوهش حاضر بررسی شده، با عنوان «[امام] علی بن ابی طالب (ع)»، در طبع سوم *دائرةالمعارف اسلام* لیدن چاپ شده است. بررسی این مقاله، نکات ارزشمندی را درباره رویکرد جدید غربیان به مطالعات اسلامی فرارو گذاشت. آنچه رویکرد شیعه‌پژوهی رابرت گلیو را از دیگر مستشرقان و مقاله‌مورد بحث را از مقاله‌همنام در طبع دوم *دائرةالمعارف اسلام* متمایز می‌سازد، بهره‌گیری گسترده از منابع شیعی به همراه بیان نکات همسو با عقیده شیعه است که نوید نزدیک‌تر شدن به رویکرد هرچه عالمانه‌تر غربیان در حوزه مطالعات شیعی را می‌دهد. از نکات شایان ذکر دیگر در مقاله رابرت گلیو، بررسی مبسوط آرا و نظرهای اهل سنت، فرق شیعه، و اهل تصوف درباره علی (ع) و آثار و اقوال منتسب به آن حضرت (ع) است. درواقع، رویکرد شیعه‌پژوهی رابرت گلیو در بررسی‌های وی، به‌ویژه مقاله‌مورد بحث، پدیدارشناسانه و متکی بر منابع اصیل با پرهیز از غرض‌ورزی است.

اما رویکرد شیعه‌پژوهی رابرت گلیو و این مقاله، نقاط ضعفی نیز دارد:

مهم‌ترین مطلب عدم مذاقه و استفسار گسترده مؤلف مقاله، پیرامون موضوعات مورد بررسی است؛ که نتیجه آن، یکجانبه‌نگری و افتادن در دام تنها نوعی از منابع است. حاصل این رویکرد، نظرهای اشتباه او درباره رخداد غدیر است؛ و البته این رویه ممکن است به دلیل گستردگی دایره شمول موضوع باشد که خود ضعفی دیگر است. همچنین از ذکر برخی موارد، مثلاً روز و نحوه تولد و برخی آثار منتسب به آن حضرت (ع) غافل شده است.

دیگر آنکه در تفسیر و توضیح بسیاری از مطالب به خطا رفته است؛ ضعفی که در پژوهش اغلب شیعه‌پژوهان غربی به دلیل نگاه از بیرون آنها وجود دارد. تفسیر نادرست مفاد نامه حضرت علی (ع) به معاویه از آن جمله است.

پی نوشت

۱. یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...
۲. عبدالله بن عباس — فرستاده امام (ع) نزد طلحه و زبیر و عایشه، برای ارشاد به بازگشت از مسیر طغیان — در جواب طلحه که بیعت خود را به اجبار خواند، گفت: «من خود شاهد بیعتتان بودم» و بعد طلحه با پیش کشیدن خونخواهی عثمان از پاسخ طفره رفت. (مفید، ۱۳۷۴: ۱۶۰)
۳. در بازگشت پیامبر (ص) از غزوة بنی مصطلق، عایشه که به قضای حاجت از لشکرگاه فاصله گرفته بود، بعد از گم کردن زیور خود، زمانی را صرف جستن آن کرد؛ چون بازگشت، لشکر رفته بود؛ لختی به انتظار نشست، خواب بر او مستولی شد؛ چون با صدای استرجاع صفوان بن معطل سلمی — که در ساقه لشکر حرکت می کرد — برخاست، با او همراه شد و به لشکر پیوست. تأخیر عایشه و آمدنش چنین، تیرهای تهمت منافقین را به سویش رها و خاطر پیامبر (ص) را جری کرد، تا آنکه آیات ۱۱ تا ۲۶ سورة مبارکه نور در رد اتهام از او نازل شد. (واقعدی، ۱۹۸۹م: ج ۱، ص ۴۲۸-۴۰۴؛ ابن هشام، ۱۳۶۳، ج ۴-۳، ص ۲۹)

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (بی تا). شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالمکتبة الحیة.
- ابن اثیر جزری، عزالدین (۱۳۹۹ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر.
- ابن اثیر جزری، عزالدین (۱۴۱۵ق). اسدالغابه فی معرفة الصحابه، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اعثم، ابو محمد احمد کوفی (۱۴۱۲ق). الفتوح، بیروت: دارالفکر.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۵ق). کمال الدین و تمام النعمه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله بن محمد الطنجی (۹۶۴ق). رحله ابن بطوطه، مکه: چاپ احمد علی.
- ابن تیمیه حرانی، أحمد بن عبد الحلیم (۱۴۰۹ق). منهاج السنه، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۰۱ق). تذکره الخواص، بیروت: مؤسسه أهل البيت.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (۱۳۷۹). فتح الباری، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی (بی تا). تهذیب التهذیب، بیروت: دارالصادر.
- ابن حنبل، احمد (بی تا). مسند، بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن شبه نمیری، ابوزید عمر (۱۴۱۰ق). تاریخ مدینه المنوره، تحقیق محمد شلتوت، قم: دارالفکر.
- ابن شهر آشوب، ابو عبدالله محمد (۱۴۱۲ق). مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء.
- ابن صباغ مالکی، نورالدین علی بن محمد (۱۴۰۹ق). الفصول المهمه فی معرفة احوال الأئمه، بیروت: دارالاضواء.

- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد بالجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). *عقد الفرید*، تصحیح احمد امین، ابراهیم الایاری و عبدالاسلام محمد هارون، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن (۱۹۹۵م). *تاریخ مدینة دمشق*، دراسة و تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۶۰م). *المعارف*، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره: دارالآفاق العربیه.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۸). *الامامه والسیاسة*، تحقیق طه محمد الزینی، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر دمشقی (بی تا). *البدایة والنهایة*، تحقیق احمد ابوملحم و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن هشام، محمد بن عبدالملک (۱۳۳۳). *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، قم: انتشارات ایران - احمدوند، عباس و کاوندی، سحر (۱۳۸۷). «پژوهش های خاورشناسان درباره نهج البلاغه»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره سی و چهارم.
- اخلاطی، کمال الدین بن حسین (بی تا). *رساله فی مصطلحات علم الجفر*، قم: کتابخانه ارومیه.
- اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله (۱۴۱۰ق). *المعیار والموازنه فی فضائل الامام امیرالمؤمنین*، تحقیق مؤسسه الامام المهدی (ع)، قم: مؤسسه الامام المهدی.
- اصفهان، ابوالفرج (۱۹۸۷م). *مقاتل الطالبیین*، شرح و تحقیق سیداحمد صقر، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه الاعلی للمطبوعات.
- امین، سیدمحسن (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*، به کوشش سیدحسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۶). *التدیر فی الكتاب والسنة والادب*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بحرانی، علامه سیدهاشم (۱۴۱۵ق). *تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*، استانبول: چاپ محمد ذهنی افندی.
- بدوی، عبدالرحمن (۱۳۵۷). *فرهنگ کامل خاورشناسان*، ترجمه شکرالله خاکنند، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۳۱). *کتاب المحاسن*، قم: چاپ جلال الدین محدث ارموی.
- بروکلمان، کارل (۱۹۵۹م). *تاریخ الادب العربی*، ترجمه عبدالحلیم نجار، قاهره: دارالمعارف.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۰۰ق). *انساب الاشراف*، بیروت: دارالنشر.
- تقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد سعید (۱۴۱۱ق). *الغارات*، تحقیق سیدعبدالزهراء الحسینی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی، غلام احیا (۱۳۸۷). *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان*، قم: انتشارات مؤسسه شیعه شناسی.
- حلبی، علی بن برهان ایوبی (بی تا). *السیرة الحلبیه*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- دینوری، احمد بن داوود (۱۹۶۰م). *الاخبار الطول*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره: بی نا.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.

- سیدرضی، شریف (۱۳۶۸). *نهج البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- شافعی، ابی عبدالله محمد بن یوسف بن محمد القرشی (۱۴۰۴ق). *کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب*، تهران: دار احیاء تراث اهل البیت (ع).
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۹۴۸م). *الملل والنحل*، صححه و علق علیه استاذ الشیخ احمد مهمی محمد، بیروت: دارالبیروت.
- صفار قمی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*، قم: بی نا.
- صفی، علی بن حسین فخرالدین (بی تا). *کتاب حرز الامان من فتن الزمان: آثار و خواص حروف ابجد و حروف مقطعه قرآنی و اسمای حسنی ربانی و سور آیات فرقانی*، چاپ سنگی، بی جا: بی نا.
- طبرسی، امین الاسلام شیخ ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *اعلام الوری بأعلام الهادی*، قم: مؤسسه اهل البیت لاحیاء التراث.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۳۶۵). *تاریخ الامم والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (بی تا). *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۱ق). *تهذیب الاحکام*، بیروت: چاپ حسن موسوی.
- طوسی، ابو جعفر (بی تا). *اختیار معرفه الرجال*، تحقیق مصطفوی، مشهد: بی نا.
- عبدالجلیل ج. م. (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه آ. آذرنوش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عسکری، سیدمرتضی (۱۴۱۰ق). *عالم المدرستین*، بیروت: مؤسسه النعمان.
- عطاری، محمد (۱۳۶۵). *مجموعه علوم جفر، آیات و روایات اسم اعظم، و اشعار شیخ بهائی*، قم: بی نا.
- قرطبی، محمد بن احمد (بی تا). *تفسیر قرطبی*، بیروت: دار احیاء التراث.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۹۷ق)، *الروضه من الکافی*، به همراه ترجمه فارسی آن از محمدباقر کمره‌ای، تهران: بی نا.
- «گفت و گو با رابرت گلیو» (۱۳۸۸)، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۱، ص ۲۵-۲۴.
- مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م). *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مدنی، سید محمود (۱۳۷۷). «نقد دیدگاه‌های اهل سنت درباره حدیث غدیر»، *نشریه علوم حدیث*، ش ۷، ص ۱۵۳-۱۲۱.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۸۹۴م). *التنبیه والاشراف*، لیدن: بریل.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۲۰). *اثبات الوصیه*، تهران: بی نا.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (بی تا). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸). *تاریخ شیعه و فرقه‌های آن*، تهران: اشراقی.

مفید، محمد بن نعمان (۱۳۱۴ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشیعه، تحقیق شیخ مهدی، نجف: نشر دارالمفید.
مفید، محمد بن نعمان (۱۳۷۴). الجمل والنصره لسید العتره فی حرب البصره، تحقیق سید علی میر شریفی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

مقدس، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). البداء والتاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر آگه.
منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۸۴). وقعه الصفین، ترجمه کریم زمانی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
منقری، نصر بن مزاحم (بی تا). وقعه الصفین، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
نیشابوری، حاکم (۱۴۰۰ق). کنز العمال، بیروت: دارالمعرفه.
نیشابوری، حاکم (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹م)، کتاب المغازی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
یعقوبی، احمد بن محمد بن واضح (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت: دارالصادر.

- Bearman, P. R. and Vogel, F. (eds.) (2006). "Intra-madhab Ikhtilaf in Late Classical Imami Shi'i Law", *The Islamic School: Evolution, Devolution and Progress*, Harvard University Press.
- Brockelmann, K. (1939). *History of the Islamic People*, No Place: No Publisher.
- Dair, Ro. & Lewis, An. (eds.) (No Date). *The 'First Source' of Islamic Law: Classical Muslim Legal Exegesis of the Qur'an*, No place: No Publisher.
- Dakake, M. M. (2007). *The Charismatic Community: Shi'ite Identity in Early Islam*, New York: State University of New York Press.
- Gleve, Robert; with E. Kermeli. (1997). *Islamic Law*, I. B. Tauris & Co., Ltd.
- Gleve, Robert (1998). "Shiite Exegesis and the Interpretation of Qur'an 4:24", *University Lectures in Islamic Studies* 2, 79-112.
- Gleve, Robert (1999). "Marrying Fatimid Women: Legal Theory and Substantive Law in Shii Jurisprudence", *Islamic Law and Society* 6(I), 38-68.
- Gleve, Robert (2001). "Between Hadith and Figh: Early Imami Collections of Akhbar", *Islamic Law and Society* 8(iii), 350-382.
- Gleve, Robert (2001). *Religion and Law*, Oxford: Oxford University Press, 145-161.
- Gleve, Robert (2005). "Shi'ism", in Blackwells (eds.), *Blackwells Companion to the History of the Middle East*.
- Gleve, Robert (2007). *Scripturalist Islam: The History and Doctrines of the Akhbari School of Shii Thought*, Brill.
- Gleve, Robert (2007-2011). "Ali b. Abi Talib", *Encyclopedia of Islam*, 3rd, B. Gudrun Kramer, Denis Martine, John Nawas and Everett Rawson, E. J. Brill.
- Gleve, Robert (2009). "Recent Research into the History of Early Shi'ism", *History Compass*, vol. 7, no. 6, Blackwell Publishing, Ltd., 1593-1605.

- Gleve, Robert(2009). *Religion and Society in Qajar Iran*, London: Routledge.
- Gleve, Robert(2011). "Muslim Jurisprudence", in Albertini, T.(ed.), *Oxford Handbook of World Philosophy*, OUP.
- Gleve, Robert(No Date). *The Ijaza from Yusuf al-Bahrani(d.1186/1772) to Muhammad Mahdi(Bahr al-Ulum)(d.1212/1797)*, No Place: No Publisher.
- Goldziher, I.(1971). *Muslims Studies*, Tr. Barber and Stem, Chicago: Aldine, Inc.
- Graham, W. A.(1999). "Review of *The Succession to Muammad: A Study of the Early Caliphate*", *Muslim World*, 89.2.
- Khosronejad, P.(ed.)(2011). "Prayer and Prostration: Imami Shi'i Discussions of al-Sujud ala al-Turba al-Husayniyya", *The Art and Material Culture of Iranian Shi'ism: Iconography and Religious Devotion in Shi'i Islam*, London: I. B. Tauris.
- Madelung, W.(1996). *The Succession to Muammad: A Study of the Early Caliphate*, Cambridge: University of Cambridge Press.
- Mervin, S. & Hermann, D.(eds.) (No Date). "Continuity and Originality in Shi'i Thought: The Relationship between the Akhbaryyya and the Maktab-i Tafkik", *Shiite Streams and Dynamics (1800-1925)*, No Place: No Publisher.
- Morony, M.(2000). "Review of *The Succession to Muammad: A Study of the Early Caliphate*", *JNES*, 59.2.
- Stewart, D.(2003). "Inevitable Doubt: Two Theories of Shi'i Jurisprudence by Robert Gleave", *Iranian Studies* 36(3), 441-444.
- Vagliri, V.(1993). "Ali ibn Abi Talib", in *Encyclopedia of Islam*, 2^{ed}, ed. by G. E. Bosworth, E. Van Donzel, W. P. Heinri CHS, Leiden-New York: E. J. Brill.
- <http://fa.london.icro.ir/index.aspx?siteid=253&pageid=11743&newsview=524017>
- <http://socialsciences.exeter.ac.uk/iaais/staff/gleave/publications>
- <http://referenceworks.brillonline.com/browse/encyclopaedia-of-islam-3/alpha>

